

عید ماتم



شادمان بودیم روز عید و حالا ماتم است
خوان شادی پهن و حالا خوان ما خوان غم است

کشور ما گشته کشتارگاه فرزندان ما
جوی خون جاری و خون دیده ما مرهم است

رخت بر بستست آسایش از این شهر و دیار
انفجار انتحاری مردم است و پیهم است

خون خود ریزند و خون بی گناهان هر طرف
مرد و زن پیر و جوان را مرگ و میر مردم است

سر جدا بینی و دست و پا جدا از یکدگر
پاره های تن به خاک آغشته درهم برهم است

کی تصور می توان کردن جنایاتی چنین
از کسی کو خویش را خواند که نسل آدم است

آدمیت عار دارد از چنین اعمال زشت
این فجایع عالم اسلام را غم بر غم است

سوی دیگر بنگری یک دولت فاسد هنوز
جانشین دولتی کو نزد عالم سر خم است

دولت دو رهبره کی یاد می دارد جهان
در مقام رهبری تک رهبری مستحکم است

این هیولای فساد آمد به ملک ما ز غرب
می نگر " کرزی" که خود اُمُّ الفساد عالم است

حال زار کشور از يك سو و جنگ رهبری
" خوش لباس " و "عقل دوم" هر یکشان أفخم است

روزه را آخر رسانیم ، چون هلال آید پدید
این هلال عید نی ، بل مَهْ مُحَمَّد است

ای خدا رحمی به حال کشور افغان زمین
صلح و آرامش به کشور تا یکی نا محرم است

سال ها بگذشت و عید خوش ندید این سرزمین
اشك چشم مام میهن ، خشم چشم أنجم است